



همایش

شعرای اصفهان در عصر صفوی به مناسبت

چهره‌گشایی خلاصه‌الاشعار (بخش اصفهان)

جهان در این سرزمین پرورش یافته است و شعر و شاعری نیز یکی از علوم این خطه است. اصفهان زادگاه شعرا و دانشمندان بزرگی بوده که تاکنون نام نیکشان برای ما باقی است.

سپس رئیس دانشگاه هدیه‌ای به استاد عبدالعلی ادیب برومند، به پاس خدمات فرهنگی ایشان اهدا کرد و آنگاه دکتر مصطفی کاویانی به مناسبت روز فردوسی سروده‌ای از شادروان مسرور درباره‌ی این شاعر را برای حضاران قرائت کرد.



در ادامه مراسم ادیب برومند، مصحح خلاصه‌الاشعار توضیحاتی در مورد مؤلف کتاب و چگونگی نگارش آن ارائه کرد و به وضعیت شعر و شاعری در عصر صفوی و دوران زندگی تقی‌الدین پرداخت.

دیگر سخنران این همایش، دکتر اکبر ایرانی، رئیس مرکز میراث مکتوب، بود که ضمن اشاره به روز فردوسی و تقارن این همایش با چنین روزی، در مورد

مرکز پژوهشی میراث مکتوب، به مناسبت چهره‌گشایی کتاب خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار (بخش اصفهان) تألیف تقی‌الدین حسینی کاشانی، همایش شعرای اصفهان در عصر صفوی را برگزار کرد.

این همایش با همکاری دانشگاه اصفهان، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، و شورای گسترش زبان و ادب فارسی، در تاریخ ۸۷/۲/۲۵ و ۸۷/۲/۲۶ در تالار صائب دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان برگزار شد.

نخستین روز همایش بعدازظهر روز چهارشنبه ۸۷/۲/۲۵ ساعت ۱۷ با تلاوت قرآن و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد.



ابتدا دکتر محمدحسین رامشت، رئیس دانشگاه اصفهان، در مورد شیخ بهایی و وضعیت علمی - فرهنگی عصر صفوی سخنرانی ایراد کرد.

وی گفت: اینکه می‌گویند اصفهان نصف جهان است به معنی وسعت و موقعیت

جغرافیایی نبوده، بلکه بدان معنی است که نیمی از علوم

زنده‌نگه داشتن میراث کهن توسط بزرگان اهل ادب سخنانی ایراد کرد.

وی گفت: این سومین بار است که مرکز پژوهشی میراث مکتوب چهره‌گشایی یک اثر را بهانه‌ای برای برپایی نشست علمی و فراگیر قرار می‌دهد. امروز بخش اصفهان کتاب گران‌سنگ خلاصه‌الاشعار به پیشگاه اهل ادب معرفی می‌شود.

ایرانی سپس، ضمن یادآوری زحمات تقی‌الدین کاشی در تألیف این اثر ارزشمند و قدردانی از مصحح ارجمند کتاب، گفت: باید سپاسگزار همه کسانی باشیم که آثاری این چنین ارزشمند برای ما به یادگار گذاشته‌اند و با آثار خود بر غنای فرهنگ این مرز و بوم افزوده‌اند.

در بخش دوم برنامه دکتر محمود عابدی، استاد دانشگاه تربیت معلم، مقاله خود را با عنوان «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی شعر دوره صفوی» عرضه کرد و در خصوص تأثیر غیرمستقیم ادب و هنر غالب بر حوزه هرات، در روزگار امیران تیموری، بر ادبیات و هنر دوره صفویه سخن گفت و به نوع اندیشه و دیدگاه فکری شاعران و خالی بودن بیشتر شعر این دوره از معارف اسلامی اشاره کرد و بعضی از خاصه‌های شعر صائب تبریزی، شاعر بزرگ دوره صفوی و مدفون در اصفهان، را برشمرد.



دکتر علی‌اشرف صادقی، معاون پژوهشی مرکز پژوهشی میراث مکتوب و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دیگر سخنران همایش، مقاله‌ای با عنوان «تأملی در خلاصه‌الاشعار» ارائه کرد.

وی در ابتدا به تاریخچه و فعالیت‌های مرکز پژوهشی میراث مکتوب در خصوص احیای متون کهن پرداخت و مختصری در مورد تقی‌الدین کاشی، مؤلف اثر، سخن گفت. به گفته صادقی این اثر باعث محفوظ ماندن اشعار

شاعران پیشین شده است. وی گفت: اوضاع و احوال ادبیات فارسی در عصر صفوی توسط این تذکره به‌خوبی مشهود است. خلاصه‌الاشعار شامل بخش‌های مختلفی است که به ذکر شعرای کاشان، اصفهان، قم و ساوه، قزوین، تبریز و آذربایجان، کرمان و نواحی آن، یزد، همدان و بلد و خراسان پرداخته و آنها را برای ما حفظ کرده است.



سپس دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی سخنانی با موضوع «نگاهی به شعر شفایی اصفهانی» ایراد کرد. وی گفت: شفایی اصفهانی از شعرای عصر صفوی و صاحب سبک وقوع یا هندی بود.

گرمارودی پس از اشاره به زندگی و شیوه شعرسرایی حکیم شفایی، به تأثیر او بر شعر صائب تبریزی اشاره کرد و در پایان نیز ویژگیهای مکتب وقوع و سبک هندی را برشمرد.

آخرین سخنران این بخش آقای جمشید کیان‌فر، سردبیر فصلنامه آینه میراث، بود که سخنانی با موضوع «خلاصه‌الاشعار منبع ادبی روضة‌الصفای ناصری» ایراد کرد. وی به این نکته پرداخت که دوره ناصری دوره زنده‌شدن فرهنگ ایران بود.

کیان‌فر گفت: تذکره‌الشعرا منبع خوبی از لحاظ ادبی برای رضاقلی‌خان بود و هدایت در نگارش روضة‌الصفای از این کتاب بهره بسیار جسته است.

بخش پایانی برنامه به یادکرد دو تن از درگذشتگان اخیر، دکتر سیدمحمد دامادی و علی مظاهری، اختصاص داشت که طی آن، دکتر سیاسی سخنانی درباره این دو زنده‌یاد ایراد کرد.

در روز دوم، همایش در دو نوبت صبح و عصر، ادامه یافت.



ابتدا دکتر سعید شفیعیون، مصحح دیوان زلالی خوانساری، مقاله خود را با عنوان «تزریق، اصطلاحی مهجور در نقد ادبی» ارائه کرد. وی در آغاز سخنان خود به داوری نه چندان درستی که در دهه‌های اخیر درباره شعر دوره صفوی ابراز شده اشاره کرد و گفت: این دوره را، به دور از واقعیت، دوره انحطاط ادبی دانسته‌اند، و بی‌انصافی است اگر ابرشاعرانی چون فردوسی، سعدی، حافظ و خیام را با شاعران بی‌ادعای دوره صفوی چون محمود زهگیر مقایسه کنیم. بی‌توجهی ما نسبت به این دوره تاریخی باعث می‌شود تا بخشی ارزشمند از ادبیات این دوره را که ضمناً گستره جغرافیایی و امتداد زمانی وسیعی را دربر می‌گیرد از دست بدهیم.

شفیعیون سپس به توصیف این اصطلاح پرداخت و متذکر شد که «تزریق» به شعر بی‌معنی یا مسلوب‌المعنی اطلاق می‌شود. یا به عبارتی: «تزریق، عبارتی بی‌معنی است که علی‌رغم حفظ ظاهر نوع ادبی و قالبی که در آن به کار رفته، عمداً از هر معنای محصلی خالی باشد». این اصطلاح گویا از «زرق» و «مکر» و «فریب» ریشه گرفته است و قدمت به کارگیری آن حداقل به دوره تیموری می‌رسد، اما هیچ‌کدام از منابع به توصیف این اصطلاح نپرداخته‌اند و فقط از مصادیق و شواهد کاربردی‌اش می‌توان به برخی ویژگی‌های آن پی برد.

سخنران بعدی دکتر محمدابراهیم مالمیر بود که در باب «تأملی در ضرورت تصحیح مجدد دیوان رضی‌الدین آرتیمانی» سخنانی ایراد کرد. وی گفت: میررضی‌الدین آرتیمانی شاعری اصفهانی بوده که در عصر صفوی می‌زیسته است. نام و اشعار میررضی در تذکره‌های متعددی آمده و همواره از او به عنوان فردی صاحب کمال و شاعری با مراتب بالا یاد شده است.



سپس آقای جويا جهانبخش سخنرانی خود را با عنوان «شیخ بهایی و مثنوی‌سرایی» ارائه کرد. وی ضمن اشاره به شخصیت والای شیخ بهایی به‌خصوص — از دیدگاه تشیع — اشاره به چند جنبه‌ای بودن شیخ کرد و متذکر شد که یکی از این جنبه‌ها هنر شاعری است و جالب اینجاست که بسیاری از اندیشه‌های دینی وی در اشعار او منعکس شده است.

وی گفت: در میان مجموعه آثاری با عنوان کلیات

کلیات جهانبخش در ادامه به آثاری اشاره کرد که در کلیات شیخ دیده می‌شود — و به فهارس راه یافته — و انتساب برخی از آنها به شیخ قطعاً مردود است و انتساب برخی نیز جای شبهه فراوان دارد.

در ادامه مصطفی کاویانی مقاله خود را با عنوان «چند چهره شعری در دوره صفوی» ارائه کرد. وی در مورد ابوالقاسم امری گفت: او شاعری بود دارای زبانی فصیح و در همان حال گشاده‌رو و با شهامت بود، شهامتی که در راه نادرست به کار گرفته نشده است. وی جوانانی بود که زندگی عادی را در پرتو سنن و عادات نمی‌پذیرفت و روحی ناآرام و طغیانی داشت.

کاویانی در مورد زندگی امری به چند نمونه از کتاب‌های تذکره پیمانه و زندگانی شاه عباس اشاره کرد و نکاتی درباره شاعرانی چون مولانا دحلی و قاضی اسعد کوهپایه‌ای و شاعری به نام منصف مطرح ساخت و گفت: تقی‌الدین کاشی درباره او گفته است مولانا غیاث‌الدین منصور از قاضی‌زادگان هرند شاعری خویشان‌دار است و به حدت طبع موصوف است.

دکتر غلامحسین شریفی نیز در سخنرانی خود به ویژگی‌های غزل در سبک هندی به‌خصوص شعر صائب

وی گفت: در میان مجموعه آثاری با عنوان کلیات

پرداخت و گفت: یکی از ویژگی‌های سبک هندی کثرت‌گرایی است. شاعران این سبک هم شعر زیاد سروده‌اند و هم در غزل‌هایشان از ابیات زیادی استفاده کرده‌اند. در این میان تکرار در اشعار صائب فراوان‌تر دیده می‌شود. صائب گاهی برای یک غزل تا چهار مطلع آورده یا در غزلی یک مصراع را چند بار و یا عیناً مصرع اول را به کار برده است.

وی گفت: برخی این شیوه را نقطه‌ضعف صائب دانسته‌اند. این سبک در فنون ادبی اشعار شاعران قدیم‌تر مثل حافظ و مولانا هم دیده می‌شود، ولی نه به این شدت.

وی در پایان به مقایسه اشعاری از صائب و مولانا پرداخت و نمونه‌هایی از اشعار صائب که در آن تکرار زیاد به کار رفته است قرائت کرد.

سخنران دیگر دکتر حبیب برجیان بود که مقاله‌ای با عنوان «زبان اصفهانی در عصر صفوی» ارائه کرد.

دکتر برجیان ابتدا گفت: منظور از زبان، زبان ادبی نیست، بلکه زبان گفتار است. در سراسر تاریخ اسلامی هیچ شهری در مقام ادبی به پای اصفهان نمی‌رسد. این شهر از قرن‌های پنجم و ششم از کانون‌های معتبر زبان فارسی و مهد سبک‌های مختلف شعری از جمله سبک عراقی و هندی بوده است و سهم اصفهان در سبک هندی چندان است که آن را سبک اصفهانی نیز خوانده‌اند. دوره بازگشت نیز در انجمن‌های ادبی اصفهان آغاز شد.

وی گفت: در ایران انگشت‌شمارند شهرهایی که زبان‌شان یک‌دست باشد و در هر حال اصفهان بزرگترین آنهاست. زبان اصفهان تا قبل از عصر صفوی چیز دیگری بوده و این مسئله را می‌توان از دو راه باز شناخت: یکی آثار مکتوب تا قرن هشتم و دیگر بقایای گویشهای آنها در دهات و بلوکات وابسته به اصفهان.

برجیان سپس به زبان و لهجه‌های دهات و روستاهای اصفهان پرداخت و نمونه‌هایی از شاعران این خطه را مطرح کرد.

سپس دکتر علی‌اصغر باباصفیری درباره «تأثیر مکتب وقوع و واسوخت در داستان‌سرایی عاشقانه» به ایراد سخن پرداخت.

وی گفت: در بحث سبک‌شناسی بین هر دو سبک اصلی همیشه یک سبک فرعی و دوره‌گذار وجود داشته

است. در قرن دهم نیز حد واسط سبک هندی و عراقی، سبک وقوع جریان داشته است.

باباصفیری افزود: ما در قرن دهم با دو جریان شعری روبرو هستیم: یکی ادامه سبک عراقی است که در شعر باباغانی بیشتر جلوه‌گر است که البته کمی کمرنگ است. ولی سبک وقوع و واسوخت قوی و پررنگ است. در عصر صفوی فساد و انحطاط اجتماعی بسیار، زمینه‌ساز تحولات زیادی به ویژه در ادبیات و نثر و نظم شد. از نظر اخلاقی نیز جامعه دچار فساد شد که این موضوع تأثیر عمده‌ای در نگارش و سرایش نویسندگان و شاعران داشته است. شعرا به شیوه وقوع روی آورده‌اند که بیان عشق و عاشقی به زبان واقعیت است.

به گفته سخنران، از مهم‌ترین ویژگی‌های این سبک سادگی و روانی و عدم توجه به آرایه‌پردازی است که برجسته‌ترین آن را در آثار وحشی بافقی می‌توان دید. در پایان این بخش، خسرو احتشامی به جای ایراد سخنرانی‌اش درباره غزل قصیده در عصر صفوی، به شبهاتی پاسخ گفت که از گفته سخنرانان قبلی درباره جایگاه شعر عصر صفوی به وجود آمده بود.

وی گفت: سبک یک پروسه تاریخی است که تحولات سیاسی، اجتماعی، زبان‌شناختی، زیباشناسی و... این پروسه را پدید می‌آورند. و نسبت دادن به مکان و زمان برای سبک موضوعیت ندارد. تقسیم‌بندی‌های سبکی از روی یک شتابزدگی کودکانه صورت گرفته است.



وی گفت: از نظر بنده رابطه روحی و فرهنگی و ذهنی‌ای بین شاعران نیست که بگوییم آنها دارای یک سبک هستند. زیرا آنها زاینده زمان و مکان‌های مختلفی هستند.

احتشامی گفت:

یک اتفاق و سبکی در عصر صفوی به وجود آمد که با سبک‌های قبلی هماهنگی و همخوانی ندارد. در این دوره خلاقیت حرف اول را می‌زند. طبیعت خیال متبلور است که در عصر صفوی در تمام هنرها مثل شعر، نقاشی، معماری و... اتفاق افتاده



خلاصه‌الاشعار شامل بخش‌های زیادی است که احتمالاً باید منتظر بخش‌های دیگر آن باشیم که در آن به زلالی خوانساری اشاره شده باشد. زلالی هم‌عصر تقی‌الدین است. از نظر زلالی خلاصه‌الاشعار مفصل‌ترین تذکره عمومی فارسی است. زلالی در جواب حبّ و ارادت تقی‌الدین کاشی قصیده‌ای سروده است که در ضمن آن خلاصه‌الاشعار را هم ستوده و هم نکوهیده است.



استاد محمدباقر کاشی

بخش پایانی همایش اجرای موسیقی توسط استاد جهاندار بود. در پایان نیز مرکز پژوهشی میراث مکتوب لوح تقدیری به پاس زحمات چندین‌ساله استاد ادیب برومند به وی اهدا کرد. این مرکز همچنین با اهدای لوح تقدیر به تجلیل از استاد محمدباقر کتابی پرداخت. دکتر نصر و دکتر عابدی از شاگردان استاد هم با تبیین سجایای اخلاقی وی، حاضران را با بیشتر شخصیت علمی استاد کتابی آشنا کردند.

است و باید از این دریچه با شعر صفوی آشنا شد. بخش پایانی این همایش دوازده، بعدازظهر روز پنج‌شنبه آغاز شد. در ابتدای این بخش حامد ناجی اصفهانی مقاله خود را با عنوان «دفتر هفتم مثنوی به روایت عارف تبریزی» ارائه کرد.

وی گفت: با روی کارآمدن دوره صفوی یک حکومت شیعی - اسلامی برپا شد. در این زمان مبانی شیعی بازسازی شد و حکمت یمانی و متعالی آغاز گردید. و گروهی نیز حکمت عرفانی شیعی را عرضه کردند. همچنین عارفانی عرفان خراسانی را بر مبنای حکمت شیعی بازسازی کردند. نجیب‌الدین رضا تبریزی از جمله عارفان آن دوره است که در ده‌سالگی انقلاب روحی داشت و به مشهد رفت و در محضر محمد مؤذن خراسانی یا اصفهانی تلمذ کرد و بهره‌های زیادی برد.

وی گفت: نجیب که به سبک هندی هم شعر می‌سروده در شعرش آورده است که طی سلوکی به وی بشارت داده شده تا مثنوی ناتمام مولانا را به اتمام برساند.

همچنین عارف تبریزی به صوفی متشرع بودن خود اشاره کرده است.

آخرین سخنران، دکتر براتی بود که سخنانی با عنوان «نقد و نظر زلالی خوانساری درباره خلاصه‌الاشعار میر تقی کاشی» ایراد کرد.

وی گفت: گرچه نام حکیم زلالی خوانساری در کتاب تقی‌الدین کاشی نیامده، ولی زلالی در مورد تذکره وی سخن گفته است. هرچند باید در نظر داشت که